

## مقاله پژوهشی

# گفتمان تسخیر لانه جاسوسی و واکنش های ایالات متحده آمریکا نسبت به آن (۱۳۵۹-۱۳۵۸)

احمد رضا شاه علی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۳

**چکیده:** پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) و تسخیر لانه جاسوسی آمریکا با گذشت ۹ ماه پس از آن، دولتمردان کاخ سفید را به تکاپو انداخت و سفارتخانه آمریکا را بر آن داشت تا با شیوه های متعدد، از یکسو نفوذ و قدرت خود را در کشور حفظ کرده و از سوی دیگر موجب تضعیف نظام اسلامی و در نهایت آزادسازی گروگان های خود گردد.

این پژوهش با توجه به شکل گیری گفتمان تسخیر لانه جاسوسی که تقویت گفتمان انقلاب اسلامی را در بر داشت، در صدد است به این پرسش پاسخ دهد که: واکنش های دولت ایالات متحده آمریکا در قبال گفتمان تسخیر لانه جاسوسی چه بود؟ و چه تأثیری بر روند انقلاب اسلامی طی سال های ۱۳۵۸-۱۳۵۹ داشته است؟ در این مقاله تلاش شده است با استفاده از روش تفسیری و با مراجعه به منابع کتابخانه ای و سایر اسناد مربوطه به سوالات پاسخ داده شود. یافته ها نشان می دهد بعد از دفاع مشروع پیشگیرانه دانشجویان پیرو خط امام، دولت آمریکا تلاش کرده است ابتدا با استفاده از اهرم های دیپلماتیک به حل مسئله بپردازد و پس از آن واکنش های مختلفی چون تحریم اقتصادی ایران، انزوای سیاسی، حمله نظامی در واقعه طبس و کودتای نقاب را طراحی و به اجرا رسانده است. در مجموع این واکنش ها هیچ خللی در عزم و اراده ضد نظام امپریالیسم آمریکا در مردم و رهبران انقلابی ایران ایجاد نکرده و نتوانست در حرکت رو به رشد انقلاب اسلامی تأثیر منفی بگذارد.

**واژگان اصلی:** لانه جاسوسی، تحریم اقتصادی، واقعه طبس، کودتا، آمریکا.

<sup>۱</sup> دانشجویار گروه معارف اسلامی دانشگاه علم و صنعت ایران shahali@iust.ac.ir

## مقدمه

رویداد تسخیر لانه جاسوسی آمریکا، متأثر از عوامل مختلفی بود که همگی از عملکرد دولت ایالات متحده آمریکا ناشی می‌شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ که با اراده و مشارکت قاطع مردم و به رهبری امام خمینی (ره) به حاکمیت استبداد پایان داد، دولت آمریکا از مداخله در امور داخلی کشور دست برداشت و تمام امکانات خود را به کار گرفت تا این انقلاب نوپا را شکست دهد و یا در حرکت آن انحراف ایجاد کند لذا در طول ۹ ماه از پیروزی انقلاب تا ۱۳ آبان ۱۳۵۸، حرکت‌های توطئه آمیزی را در سراسر کشور علیه انقلاب هدایت می‌کرد. در این وقایع، سفارت آمریکا به عنوان مرکز فرماندهی و سازماندهی این توطئه‌ها دیده می‌شد.

تسخیر لانه جاسوسی آمریکا و گروگانگیری ۴۴۴ روزه، ۵۲ نفر از کارکنان سفارت آمریکا از سوی دانشجویان پیرو خط امام (ره) اقدامی بزرگ، نه فقط در سطح کشور یا منطقه بلکه حرکتی غیر قابل پیش بینی در سطح جهان در مقابله با توطئه‌های آمریکا بود. این حرکت آثار و پیامدهایی به همراه داشت و موجب حفظ، تداوم و تعمیق انقلاب اسلامی گردید. با توجه به اهمیت این رویداد تاریخی، پرسش اصلی این پژوهش عبارت است از: واکنش‌های دولت آمریکا در قبال گفتمان تسخیر لانه جاسوسی چه بود و چه تاثیری بر روند انقلاب اسلامی داشت؟

در این مقاله تلاش شده است با استفاده از روش کیفی و انواع تفسیری از طریق تجزیه و تحلیل منابع کتابخانه‌ای، محتوای نشریات و روزنامه‌های سالهای مختلف و سایر اسناد مربوطه، به سوال بالا پاسخ دهیم.

## ۲- ادبیات نظری

### ۲-۱- دفاع مشروع از منظر حقوقی

دفاع مشروع در حقوق جزا، به حالتی گفته می‌شود که: شخص مورد تجاوز در صورت نداشتن وقت برای توسل به قوای دولتی، به منظور رفع تجاوز، حق دارد به نیروی شخصی، از ناموس، جان و مال خود دفاع کند (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳: ۳۰۳)

بر این اساس، دفاع مشروع، دفاع فقط به جهت رفع تهاجم و تجاوز است. کسی که به او تهاجم شده است بسیاری از کارها بر او جایز می‌شود تا بتواند تهاجم را از خود و جامعه دور نماید. منشور ملل متحد بر اساس بند ۴ ماده ۲، به ممنوعیت توسل به زور تصریح داشته و برای مقابله با جنگ و تجاوز، دفاع مشروع (ماده ۵۱) و اقدام نظامی را مجاز دانسته است. (ماده ۴۲)

ماده ۵۱ منشور ملل متحد، مقدور می‌دارد: "در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد تا زمانی که شورا امنیت اقدامات لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی انجام دهد، [به] هیچ یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع از خود، چه فردی یا دسته جمعی لطمه ای وارد نخواهد کرد. اعضا باید اقداماتی را که در اعمال این حق دفاع از خود انجام می‌دهند، فوراً به شورای امنیت گزارش دهند. این کارها در اختیار و مسئولیتی که شورای امنیت بر طبق این منشور دارد و به موجب آن برای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی و در هر موقع که ضروری تشخیص دهد، می‌تواند اقدام لازم انجام دهد، تأثیری نخواهد داشت." (منشور ملل متحد و...، ۱۳۷۷: ۲۱)

بر این اساس، مفهوم دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل، همانند دفاع مشروع در حقوق داخلی بوده که در نبود فرصت برای استفاده از قانون، به قربانی تجاوز حق می‌دهد تا به سرعت با توسل به زور بخواهد دفاع از خود بپردازد. (امین زاده، ۱۳۸۱: ۶۹)

دو تفسیر متفاوت از دامنه حق دفاع مشروع بر مبنای ماده ۵۱ منشور ملل متحد وجود دارد:

۱- تفسیر محدود: در این نظریه، حق دفاع مشروع فقط در مواردی است که حمله مسلحانه ای صورت گرفته باشد و هیچ گونه حقی را برای دفاع مشروع مسلحانه علیه اقدامات خصمانه ای که حالت حمله مسلحانه را ندارد، علی‌رغم خطراتی که برای موجودیت یک دولت ایجاد می‌نماید، وجود ندارد و در این مورد فقط باید برای دفاع مشروع به تدابیر غیرنظامی متوسل شد. (بلدسو، ۱۳۷۵: ۵۰۳)

در این تفسیر از دفاع مشروع، پیش دستی در دفاع را به صورت دفاع ابتدایی یا پیش‌گیرانه در مقابل تهدید به حمله ای که منتهی به حمله نظامی نمی‌شود مجاز ندانسته است.

۲- تفسیر موسع: کسانی که معتقد به این تفسیر از مفهوم دفاع مشروع هستند، می‌گویند که دفاع مشروع صرفاً در مقابل با حمله نظامی مندرج در ماده ۵۱ منشور قابل اعتماد نیست بلکه در مقابل حمله احتمالی یا حمله ای که به حمله نظامی منتهی نمی‌شود نیز جایز خواهد بود. (امین زاده، ۱۳۸۱: ۷۰)

بر اساس این تفسیر، حق دفاع مشروع علیه تهاجم مسلحانه و نیز علیه نقض حقوق اساسی دولت ولو غیرمسلحانه وجود دارد. با این تفسیر دفاع مشروع پیش‌گیرانه وجود خواهد داشت.

عده ای از نظریه پردازان حقوق، اعتقاد دارند به رغم بند ۲ ماده ۵۱ منشور ملل متحد، عملکرد دولتهای عضو ملل متحد را در سالهای پس از انعقاد منشور موجب به وجود آمدن رویه ای

شده که توسل به زور به صورت پیش‌گیرانه، حداقل در شرایطی که خطر و تهدید، حالتی قطعی و قریب‌الوقوع داشته باشد، همانند دفاع مشروع در برابر حمله مسلحانه صورت گرفته، قانونی و مجاز است. این نویسندگان مدعی اصلاح تعهدات مبتنی بر منشور از طریق رویه بعدی دولتهای عضو هستند. (Reisman and Armstrong, 2006: 190)

از جمله رویه‌های دولتها، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- حمله رژیم اشغالگر به کشورهای عربی در سال ۱۹۶۷ به بهانه دفاع پیش‌گیرانه در برابر حمله قریب‌الوقوع از سوی مصر و سوریه رخ داد و شورای امنیت از محکوم کردن این اقدام رژیم صهیونیستی خودداری کرد.
- ۲- حمله آمریکا و متحدانش به افغانستان که با تفسیر موسع از قطعنامه ۱۳۶۸ مورخ ۱۲ سپتامبر شورای امنیت صورت گرفت و هیچ محکومیت برای آمریکا در بر نداشت.
- ۳- حمله آمریکا به عراق به بهانه وجود تسلیحات کشتار جمعی در عراق که از سوی شورا امنیت محکوم نشد اما اکثر کشورها آنرا مغایر با حقوق بین‌المللی دانستند.

رویه جاری در حقوق بین‌الملل که مورد تأیید سازمان ملل بوده است. مشروعیت دفاع مشروع در مقابل حمله ای است که قریب‌الوقوع و به احتمال زیاد محقق خواهد شد. این نگاه واقع‌گرا و کارکردی به دفاع مشروع در همان قالب حق بر بقای دولت قابل ترسیم است. در این حالت یک دولت در قبال خطرات مسلحانه و قریب‌الوقوع، توان دفاع از خود را خواهد داشت مشروط بر آنکه تحقق حمله و آسیب قطعی باشد و ضرورت در پاسخ دهی و تناسب را رعایت کند. چنین قالبی از دفاع مشروع را دفاع پیش‌دستانه، یا پیش‌گیرانه قلمداد می‌گردد. (انصاری و ممتاز، ۱۳۹۱: ۱۷۵)

دفاع از نوع پیش‌گیرانه و یا پیش‌دستانه از قدیم در حقوق بین‌الملل عرفی وجود داشته است و با ادامه حیات این قاعده عرفی که از قضیه کشتی کارولین سرچشمه گرفته، کماکان این حق برای دولتها وجود دارد که در برابر یک حمله آتی از خود دفاع کنند. (انصاری و ممتاز، ۱۳۹۱: ۱۷۵)

#### ۲-۲- دفاع مشروع پیش‌گیرانه در تسخیر لانه جاسوسی آمریکا

به منظور تبیین دفاع مشروع پیش‌گیرانه در جریان اشغال سفارت آمریکا در تهران می‌توان به مباحث آقای فرانسیس آنتونی بویل، استاد دانشکده حقوق دانشگاه ایلینویز آمریکا، در کتاب "سیاست جهانی و حقوق بین‌الملل" اشاره کرد.

بویل استدلال می‌کند که سیاستهای دولت کارتر، عامل اصلی گروگان‌گیری اعضای سفارت آمریکا در تهران بوده و ایرانیان به موجب ماده ۵۱ منشور ملل متحد، از حق دفاع مشروع برخوردار

بوده اند.

او در ابتدا دولت کارتر را به علت پذیرش شاه در آمریکا، مقصر اصلی واقعه‌ی گروگان‌گیری می‌داند و تأکید می‌کند که وی با آگاهی از خطرات این کار چنین اقداماتی را انجام داد:

« بحران گروگان‌ها در ایران، با توقیف دیپلمات‌های آمریکایی در ۴ نوامبر سال ۱۹۷۹ آغاز نشد، بلکه تصمیم کارتر مبنی بر پذیرش شاه برای معالجه، که امکانات آن در دیگر جاها نیز فراهم بود، باعث بروز این بحران گردید. این تصمیم به زعم مشاوران و دستگاه‌های امنیتی و با وقوف کامل به اینکه تصرف سفارت و دستگیری اعضای آن، واکنش احتمالی چنین اقدامی خواهد بود، اتخاذ شد. بهانه کارتر مبنی بر اینکه به وعده قبلی نخست‌وزیر وقت - مهدی بازرگان - درباره حمایت از سفارت آمریکا اتکا کرده بود، قانع‌کننده نیست. در آن زمان، بدیهی بود که بازرگان حتی بر دولت ... کنترل کافی ندارد، چه رسد به کنترل گروه‌های مختلف انقلابی که در خیابان‌های تهران موج می‌زند. وقتی رئیس‌جمهور آمریکا در وهله اول، مسبب اصلی بروز بحران باشد، نیروهای بازدارنده حقوقی، سیاسی یا نظامی، نمی‌تواند از بروز بحران و خیم در روابط با کشورهای دیگر جلوگیری کنند.»

(Boyle, 1985: 74)

این استاد حقوق به دلایل عمیق‌تر تسخیر لانه جاسوسی و دخالت‌های درازمدت آمریکا در ایران اشاره می‌کند و عبرت‌های تاریخی سقوط شاه را برای آمریکا، چنین بازگو می‌کند:

«در وهله اول، تاریخ طولانی مداخلات آشکار و پنهان آمریکا در حمایت از شاه، راه را برای بروز بحران گروگان‌گیری هموار کرد. آمریکا باید از این تجربه‌ی دردناک درس بگیرد که کمک به یک رژیم سرکوب‌گر در یک جنگ تمام‌عیار با مردم نه تنها عادلانه نیست، بلکه به دور از مصلحت هم هست. به هر حال در این مورد، اصل اساسی حقوق بین‌المللی، مبنی بر مداخله در امور داخلی کشور‌های دیگر، آنچه در بردارنده‌ی بیشترین منافع برای آمریکاست، به او گوشزد می‌کند. درس عبرتی که باید از سقوط شاه گرفت و درباره سایر متحدان آمریکا در گوشه و کنار جهان نیز مصداق پیدا می‌کند، این است که دولت آمریکا نباید برای سرپا نگه داشتن رژیمی که بنا بر تشخیص آمریکا، حمایت مردم خود را از دست داده است، در امور داخلی یک کشور دیگر مداخله کند.»

(Ibid, p.76)

آقای بویل، سپس سعی می‌کند به این مسأله از زاویه دید انقلابیون ایران نگاه کند و با شمردن استدلال‌های ایرانیان، آنها را بررسی و تأیید می‌کند و چنین می‌گوید:

با توجه به این مجموعه‌ی تاریخی تلخ و ناخوشایند، استدلال‌های حقوقی ایران در دفاع از بازداشت کارکنان سیاسی سفارت آمریکا در تهران، شایسته‌ی تأمل است. تصمیم به پذیرش شاه، نمایانگر بی‌اعتنایی دولت کارتر به تشویش و نگرانی به جای مردم ایران بود. آنها پیش از این، یک بار شاه را از مملکت اخراج کرده بودند، اما دیدند با حمایت سازمان سیا، دوباره بر تاج و تخت سلطنت نشست. برای آنان قابل تصور بود که با حضور شاه در آمریکا، تکرار چنین امری امکان‌پذیر است .... اینکه سفارت آمریکا در تهران درگیر فعالیت‌های گسترده اطلاعاتی و امنیتی بود که مأموران اطلاعاتی آمریکا آنها را تحت عنوان دیپلمات انجام می‌دادند، غیر قابل انکار است. چرا که سفارت، اولین منبع برای هدایت مسائل اطلاعاتی و امنیتی آمریکا بود. در واقع سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا، با گروهی از اطرافیان شاهپور بختیار در پاریس، به عنوان جانشینان احتمالی [امام] خمینی تماس نزدیک برقرار کرده بودند. بیم و هراس مردم ایران از یک کودتای آمریکایی عقلانی بود. (Ibid, p.78)

این حقوقدان در توضیح بیشتر استدلال‌های خود چنین می‌آورد:

«بر اساس این واقعیت‌ها می‌توان به طور متقن و موجه استدلال کرد که بازداشت دیپلمات‌های آمریکایی، استیفای مشروع حق دفاع فردی ملت ایران، طبق ماده ۵۱ منشور ملل متحد بود. این دفاع با توجه به شرایط وخیم آن زمان، بر تعهدات ایران ناشی از بندهای ۳ و ۴ ماده‌ی ۲ و ماده‌ی ۳ منشور ملل متحد و بر کنواسیون ۱۹۶۱ وین، راجع به روابط دیپلماتیک و نیز کنواسیون ۱۹۶۳ وین، راجع به روابط کنسولی و کنوانسیون ۱۹۷۳، راجع به جلوگیری و مجازات جرائم علیه اشخاص تحت حمایت بین‌المللی از جمله نمایندگان دیپلماتیک، مقدم بود.» (Ibid, p.80)

آقای بویل، با توسل به نظریه "دفاع مشروع پیش‌گیرانه" که ساخته و پرداخته مقامات آمریکایی بود، سعی می‌کند تا اشغال سفارت آمریکا در تهران را منطبق بر مبانی فکری مقامات این کشور نشان دهد:

«می‌توان در این باره، به دکترین "دفاع مشروع پیش‌گیرانه" که به وسیله وزیر خارجه (وقت) آمریکا دانیل ویستر عنوان شد، اشاره کرد. ضابطه هم این است که "ضرورت توسل به دفاع از خود" فوری و همه‌جانبه شود و هر نوع انتخاب، وسیله و فرصتی برای مشورت تأمل را از بین می‌برد. اگر از دید ایرانیان به این قضیه نگاه کنیم، دیپلمات‌های آمریکایی بر مبنای همین دکترین دستگیر و بازداشت شدند. چرا که هدف، جلوگیری از یک کودتای ویرانگر و شاید همراه با خونریزی با حمایت آمریکا بود که به طور آشکار مغایر حقوق بین‌المللی تلقی می‌شد.» (Ibid)

با توجه به تفسیر موسع حقوقدانان از مفهوم دفاع مشروع و اعتقاد داشتن به دفاع مشروع پیش‌گیرانه در مواقع حملات ضروری و قریب الوقوع و رویه دولتهای عضو ملل متحد در استفاده از این رویکرد که پیشتر گفته شد و همچنین رویه ای که دولت آمریکا در طول سالهای متمادی در قالب نظریه دفاع مشروع پیش‌گیرانه داشته و موجب تهدید نه تنها همسایگان خود بلکه تمام دنیا شده است از یک طرف و استدلال آقای بویل، حقوقدان آمریکایی از طرف دیگر، می‌توان به حقانیت اقدام دانشجویان پیرو خط امام (ره) در تسخیر لانه جاسوسی پی برد.

دانشجویان پیرو خط امام (ره)، بر اساس استدلال حقوقی که گذشت و مطالبی که خواهد آمد، دولت آمریکا را دولتی می‌دانستند که هر لحظه آماده تهاجم و انجام کودتا برای بدست گرفتن نظام سیاسی است لذا با استناد به دکترین اقدام پیش‌گیرانه دولت آمریکا، تسخیر سفارت آمریکا در تهران، یک دفاع پیش‌گیرانه و برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های دولت آمریکا بود که درصدد از بین بردن انقلاب اسلامی در روزهای ابتدایی بود.

### ۳- تسخیر لانه جاسوسی آمریکا

با گذشت بیش از چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن‌ماه سال ۱۳۵۷ هـ ش واقعه تسخیر لانه جاسوسی آمریکا همچنان در کانون توجه بسیاری از متخصصان، کارشناسان و علاقه‌مندان به نهضت‌های ضداستکباری و ضداستعماری قرار دارد. علاوه بر انقلاب، حوادث گوناگونی که پس از آن رخ داد و نهال نو پای انقلاب را بیمه و باعث حفظ تداوم آن شد، نیز مورد توجه بوده است.

در میان این حوادث گوناگون، تسخیر لانه جاسوسی، جایگاهی رفیع یافت. زیرا این رویداد در قطع ریشه‌های امپریالیسم از ایران و پایان سلطه‌ی قدرتمندانه‌ی آن از سرزمین‌مان نقش مهمی داشت. در واقع اشغال ۴۴۴ روزه‌ی سفارت آمریکا در تهران، باعث شد تا یکی از اهداف اولیه‌ی انقلاب اسلامی، یعنی مقابله با گسترش نفوذ آمریکا در کشور، هرچه بیشتر تحقق یابد. انقلاب اسلامی که خود ریشه‌ی وابستگی به آمریکا را- با سرنگونی رژیم طاغوت- از بن کنده بود، با انقلاب دوم، پرچم استقلال سیاسی خود را بلندتر برافراشت و مبارزه‌طلبی با آمریکا را یک گام دیگر به جلو برد. به تعبیری دیگر، با پیروزی انقلاب اسلامی، استبداد و با تسخیر سفارت آمریکا، استعمار از ایران ریشه‌کن شد.

تسخیر سفارت، حرکتی خود جوش، مردمی و غیر دولتی بود که عده ایی از دانشجویان مسلمان دانشگاه‌ها انجام دادند. آنان بعد ها برای اثبات استقلال خود از گروه های سیاسی و پیروی از امام، عنوان «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» را برای خود برگزیدند.

امام خمینی (ره) در سخنرانی خود در روز ۱۴ آبان ۱۳۵۸ و به فاصله یک روز پس از اشغال سفارت، آمریکا را "شیطان بزرگ" نامیدند و از این واقعه به "انقلاب دوم" یاد کردند (امام خمینی، ج ۱۰، ۱۳۳۸: ۴۷۸) و به سفارت آمریکا لقب "لانه جاسوسی" دادند. امام به طور علنی نیز اقدام دانشجویان را تایید کردند. (امام خمینی، ج ۱۱، ۴۵: ۱۳۳۸)

این حرکت دانشجویان پیرو خط امام موجب پدیدار شدن گفتمان تسخیر لانه جاسوسی با گفتمان انقلاب دوم گردید. گفتمانی که با مرکزیت استکبار ستیزی همراه بود. گفتمان تسخیر لانه جاسوسی با اهداف متفاوتی از جمله؛ تقویت گفتمان انقلاب اسلامی، مبارزه با استعمار خارجی، پایان دادن به مداخلات دولت آمریکا در ایران و انزوای عناصر داخلی وابسته به غرب همراه بود.

در تشریح دلایل شکل گیری گفتمان تسخیر لانه‌ی جاسوسی می توان به موارد زیر اشاره کرد:  
 ۱- تصرف ۴۴۴ روزه‌ی سفارت آمریکا، حاصل دخالت‌های ۲۵ ساله‌ی آمریکا در ایران بود که از دهه‌ی ۳۰ به بعد و با تضعیف قدرت انگلستان پس از جنگ جهانی دوم، نقش پررنگ‌تری در کل منطقه‌ی خاورمیانه پیدا کرده بود. واقعه‌ی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ هـ.ش، که باعث بازگشت شاه به قدرت شد، توطئه‌ی ننگینی بود که هیچ‌گاه از حافظه‌ی تاریخ ملت مسلمان ایران پاک نشد. پس از آن نیز، آمریکا با تداوم حمایت از شاه و تقویت او، به عنوان یک دیکتاتور وابسته، تلاش کرد تا امکان سرنگونی رژیم پهلوی را به حداقل برساند. در همین زمینه، آمریکا با همکاری اسرائیل، ساواک را به عنوان یکی از مخوف‌ترین سازمان‌های اطلاعاتی جهان، راه‌اندازی کرد و برای سرکوب انقلابیون ایران تلاش بسیاری نمود. (منصوری، ۱۳۹۰: ۱۳۴)

به عنوان مثال می‌توان به زندانی کردن، کشتار و قتل مشکوک انقلابیون سرشناس به خصوص مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی، آتش زدن سینما رکس آبادان، برقراری حکومت نظامی در تهران و شهرهای بزرگ، کشتار ۱۷ شهریور و ۱۳ آبان و تلاش برای کودتا با پشتیبانی آمریکا در آخرین روزهای حکومت شاه اشاره کرد. همچنین آمریکا با اجرای طرح‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی مدنظر خود، وابستگی ایران را به خود افزایش داد. (بیل، ۱۳۷۱: ۱۷۴)

از جمله طرح‌های آمریکا برای افزایش وابستگی ایران به خود در حوزه امنیتی می‌توان به



تأسیس ساواک، در حوزه نظامی، ایجاد پیمان مرکزی ستو، عقد قراردادهای متعدد دوجانبه میان ایران و آمریکا و سرازیر شدن انواع تسلیحات نظامی ساخت ایالات متحده به کشور، در حوزه اقتصادی می‌توان به سلطه همه‌جانبه‌ی صنعت نفت ایران و در حوزه حقوقی به تصویب قانون کاپیتولاسیون (روحانی، ۷۰۸:۱۳۸۱) در ایران اشاره کرد. براین اساس، تسخیر لانه‌ی جاسوسی و واکنش طبیعی به ۲۵ سال توهین و تحقیر جامعه ایران بود.

۲- به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی، آمریکا که منافعش را در خطر می‌دید، تلاش کرد تا با این پدیده مقابله کند. به همین علت، برنامه‌ها و نقشه‌هایی را در تحریک گروهک‌های ضد انقلاب و تجزیه طلبی قومیت‌ها از جمله: بحران در کردستان (شاه علی، ۱۳۹۷: ۴۲۵)، فتنه حزب جمهوری خلق مسلمان در تبریز (اسنادلانه جاسوسی، ۱۳۶۵: ۳۳ و ۳۴ و ۶۵ و ۸۳ و ۹۰) و فتنه خلق عرب در خوزستان (رشید، ۱۳۸۹: ۱۴) به اجرا درآورد. با تصرف سفارت آمریکا، این تلاش‌ها ناکام ماند. تسخیر لانه‌ی جاسوسی برای مقابله با سنگ‌اندازی‌های آمریکا در برابر حرکت رو به جلوی انقلاب اسلامی، اقدامی پیشگیرانه بود.

۳- چند ماه قبل از حمله به سفارت آمریکا، دولت کارتر، به بهانه‌ی معالجه‌ی پزشکی، به شاه اجازه‌ی ورود به این کشور را داده بود. ملت ایران که هنوز خاطره‌ی کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ هـ. ش را به یاد داشت، این عمل را مقدمه‌ای برای طرح‌ریزی یک توطئه‌ی جدید، در سرنگونی جمهوری اسلامی می‌دانست. صریح‌ترین واکنش رسمی از سوی آیت الله شهید بهشتی، ابراز شد که ضمن توهین خواندن اقدام آمریکا، به آنها هشدار داد که ملت ایران در برابر این دولت جهانشوار سکوت نمی‌کند. (جمهوری اسلامی: ۵۸/۸/۵) عکس العمل مردم نسبت به این اقدام دولت آمریکا، دو راه پیمایی به تاریخ ۴ آبان ۵۸ و ۱۲ آبان ماه ۱۳۵۸ پس از نماز عید قربان صورت گرفت. مهم‌ترین خواسته‌های مردم در این دو راه پیمایی، استرداد هرچه سریع‌تر شاه و سایر عمال وابسته به رژیم از سوی دولت آمریکا و واکنش قاطع و انقلابی دولت موقت در قبال این توهین آشکار به ملت ایران بود. (اطلاعات: ۵۸/۸/۵) تسخیر لانه‌ی جاسوسی و واکنشی به این اقدام مداخله‌جویانه‌ی آمریکا و اقدامی بازدارنده، برای مقابله با هرگونه توطئه ضدنظام بود.

۴- مشی غیر انقلابی و مماشات گونه‌ی دولت موقت که موجب دلسردی مردم و نیروهای انقلابی شده بود از یک سو، و تلاش سفارت آمریکا در جذب برخی دولتمردان دولت موقت و سایر نخبگان سیاسی از سوی دیگر، از عوامل تحریک تسخیرکنندگان بود. کارتر در کتاب خاطرات خود

به این موضوع اشاره دارد. "مهدی بازرگان .... و اعضای کابینه اش، که بیشتر آنها تحصیلکرده غرب بودند با ما همکاری داشتند. آنها از سفارت محافظت می کردند و از ژنرال فیلیپ گاست ... مراقبت به عمل می آوردند تا بدون خطر رفت و آمد کند و برای ما پیام های دوستانه می فرستادند. بازرگان به طور علنی اعلام کرد که مایل است با آمریکا روابط حسنه ای داشته باشد اما افراطیون طرفدار آیت الله خمینی برای او به صورت مشکلی در آمده بودند." (ستوده و کاویانی، ۲۰:۱۳۷۹) اسناد لانه جاسوسی نشان می دهد که دولت آمریکا به منظور حذف حضرت امام(ره) از صحنه سیاسی کشور، در صدد جذب افراد موثر دولت موقت برآمده بود. افرادی چون ابوالحسن بنی صدر، رحمت الله مقدم مراغه ای، حسن نزیه و عباس امیرانتظام و ... که بعضا با اسم رمز و با عنوان جاسوس در خدمت آمریکا بودند. (نوازی، ۹۸:۱۳۸۳) تسخیر سفارت خانه ی آمریکا، باعث شد تا دولت موقت، در تنگنا قرار بگیرد و استعفا دهد. و با استعفای این دولت، زمینه برای روی کار آمدن و قدرت گرفتن نیروهای انقلابی و ارزشی فراهم شود.

به فاصله ی یک ماه پس از شکست آمریکا در طیس، اولین مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۷ خرداد ۱۳۵۹، تشکیل شد و امام خمینی در پیام خود در ۲۱ شهریور ۱۳۵۹، به مناسبت فرا رسیدن ایام حج، حل مسأله ی گروگان ها را به مجلس شورای اسلامی واگذار کردند و به این ترتیب، مجرای جدیدی برای مذاکره در مورد این مسأله و حل آن گشوده شد و امور از شورای انقلاب به مجلس شورای اسلامی منتقل شد.

مجلس شورای اسلامی در جلسه ی ۱۱ آبان ۱۳۵۹، چهار شرطی که از سوی کمیسیون ویژه ی گروگان ها برای آزادی آنان پیشنهاد شده بود، به تصویب رساند. (کیهان مورخ ۱۲/۷/۱۳۵۹) چهار شرط مذکور، همان شرایطی بود که از سوی امام و در پیام ایشان به زائران خانه ی خدا مطرح شده بود. (امام خمینی ج ۱۳، ۱۳:۱۳۶۸) این شرط ها عبارت بودند از: ۱- دخالت نداشتن مستقیم و غیرمستقیم آمریکا در ایران؛ ۲- آزاد کردن سرمایه ها و رفع انسداد از دارایی های متعلق به ایران؛ ۳- لغو دعاوی مالی و حقوقی و جزایی آمریکا ضد ایران؛ ۴- پس دادن اموال شاه و نزدیکانش.

سرانجام در تاریخ ۲۲ دی ۱۳۵۹، لایحه ای مبنی بر حل و فصل اختلافات مالی و حقوقی دولت جمهوری اسلامی ایران با دولت آمریکا به تصویب مجلس رسید. طبق ماده واحده ی این لایحه: «به دولت اجازه داده می شود که در مورد اختلافات مالی و حقوقی دولت جمهوری اسلامی ایران با دولت آمریکا از طریق داوری مرضی الطرفین، اختلافات مذکور را حل و فصل نمایند.» (کیهان مورخ

پس از تصویب این لایحه، سیر امور شتاب بیشتری گرفت و یک گروه کاری به ریاست بهزاد نبوی - وزیر مشاور در امور اجرایی - تشکیل شد. این هیأت با میانجیگری الجزایر با آمریکا وارد مذاکره شد و در نهایت، پس از مدتی فعالیت فشرده، موافقت‌نامه‌ای موسوم به الجزایر تهیه گردید و گروه‌گان‌ها - پس از ۴۴۴ روز - آزاد شدند.

از جمله دستاوردهای گفت‌وگوهای تسخیر سفارت آمریکا در بعد داخلی، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: (شاه علی، ۱۳۸۵: ۲۳۳-۱۷۵)

۱- شفاف شدن مواضع گروه‌ها و نیروهای داخل انقلاب و سقوط دولت موقت

۲- تثبیت خط امام (ره)، جوان‌گرایی در انقلاب اسلامی

۳- تقویت همگرایی و وحدت ملی و روحیه خودباوری

#### ۴- واکنش دولت آمریکا نسبت به تسخیر لانه جاسوسی

##### ۴-۱- تحریم اقتصادی ایران

به دنبال تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در تهران، دولت ایالات متحده اقدامات گسترده‌ای را برای اعمال فشارهای اقتصادی بر ایران برای به زانو در آوردن نظام اسلامی آغاز کرد. کارتر در اولین گام در ۲۱ آبان ۱۳۵۸ دستور قطع خرید نفت ایران را صادر کرد. به دنبال این کار، روزنامه‌های کشور در اقدامی هماهنگ و برای ایجاد جنگ روانی بر ضد آمریکا از جیره بندی نفت و بنزین در آمریکا به دنبال قطع صادرات نفت از ایران به آمریکا خبر دادند. (کیهان: ۵۸/۸/۲۲) کارتر که می‌دانست تحریم یک تنه‌ی ایران فایده چندانی ندارد و ایران را به سوی استفاده از منابع کشور های دیگر و به خصوص کشورهای اروپایی سوق می‌دهد، از همپیمانان غربی خود خواست تا از خرید نفت ایران خودداری کنند. تلاش‌های آمریکا در این زمینه نیز به نتیجه رسید و ۱۵ کشور عضو ناتو و ژاپن واردات نفت خود را از ایران کاهش دادند. (کیهان: ۵۸/۸/۲۴)

کارتر در دومین اقدام خود، روز ۲۳ آبان ۱۳۵۸ دستور مسدود شدن دارایی‌های ایران را در کلیه بانک‌های آمریکایی و شعب خارجی آنها صادر کرد و اروپایی‌ها هم از این تصمیم حمایت کردند. (سلام: ۷۵/۱۰/۲۳)، به دنبال این کار دیوان عالی لندن نیز دارایی‌های ایران را در انگلستان توقیف کرد.

و در فرانسه نیز سپرده های پولی کشور دچار مشکل شد. دولت ایران نیز در ۲ آذر ۱۳۵۸ اعلام کرد که از بازپرداخت وام های خارجی خود سرباز می زند و شکایتی را نیز برای بازگرداندن ۶۵/۵ میلیارد دلار اموالی که شاه مخلوع از کشور خارج کرده بود، به دادگاه عالی نیویورک تسلیم کرد. (کیهان: ۵۸/۹/۲) اموال و دارایی های ایران در آمریکا به موجب دستور اجرایی کارتر بلوکه شد و بخشی از آن تا زمان انعقاد قرارداد الجزایر، در دست آمریکایی ها باقی ماند: «.....من جیمی کارتر رییس جمهوری ایالات متحده به این نتیجه می رسم، که اوضاع ایران برای امنیت ملی سیاست خارجی و اقتصاد آمریکا به طور فوق العاده و غیرعادی ایجاد مخاطره نموده و به این وسیله به منظور مقابله با مخاطره مذکور، حالت فوق العاده اعلام می نمایم. من به این وسیله دستور می دهم کلیه اموال و منافع مربوط به دولت ایران، موسسات وابسته و تحت کنترل دولت مذکور و نیز بانک مرکزی ایران که در قلمروی ایالات متحده هستند، یا قرار می گیرند یا در تصرف و کنترل اتباع آمریکا بوده یا در خواهند آمد، مسدود گردند .....» (تهامی، ۱۳۸۰: ۹۹)

به دنبال محکومیت تسخیر لانه جاسوسی در شورای امنیت سازمان ملل، آمریکا تصمیم گرفت تا موافقت کشورهای اروپایی را نیز به خود جلب کند. در طی این تلاش ها، سایروس ونس وزیر خارجه آمریکا در اوایل آذر ۱۳۵۸ به انگلستان، فرانسه، ایتالیا و آلمان غربی سفر کرد تا همکاری سران این کشورها را برای اعمال فشارهای اقتصادی بر ایران جلب کند. او در این مذاکرات تاکید می کرد که اگر این کار موثر واقع نشود، کاخ سفید به ناچار به نیروی نظامی متوسل خواهد شد، ولی ما ترجیح می دهیم که با همکاری و پشتیبانی متحدین خود، ایران را تحت فشار شدید اقتصادی قرار دهیم. اما این کشورها ضمن ابراز همدردی با آمریکا در مورد گروگان ها، معتقد بودند که در وضعیت دشواری قرار می گیرند زیرا از یک سو به نفت خاورمیانه و ایران احتیاج داشتند و از سوی دیگر این کشورها در اردوگاه غرب به سر برده و تابع سیاست های آمریکا بودند و نمی توانستند سیاست خود را جدا از آمریکا نشان داده یا در مقابل آن بی تفاوت باشند. سایروس ونس در این باره می گوید: «پاسخی که به تقاضاهای من داده شد مبهم و دوپهلوی بود. همه آنها اظهار علاقه کردند که در صورت بی نتیجه ماندن اقدامات دیپلماتیک، بعضی محدودیت های اقتصادی را در مورد ایران اعمال کنند، ولی تدابیری که مورد نظر آنان بود، تاثیر قابل ملاحظه ای برای اقتصاد ایران نداشت. بعضی از کشورهای متحد ما هم مشکلات حقوقی و سیاسی چنین اقداماتی را عنوان کردند و گفتند که بدون صدور قطعنامه الزام آوری از طرف شورای امنیت سازمان ملل متحد در باره اعمال

مجازات‌های اقتصادی درباره ایران، نمی‌توانند دست به چنین کاری بزنند.» (ونس و برژینسکی، ۱۳۶۲: ۷۸) بر این اساس دولت آمریکا در ۹ دیماه ۱۳۵۸، شورای امنیت سازمان ملل را مجاب به تصویب قطعنامه ۴۶۱ نمود که طی آن مجازات‌های اقتصادی گوناگون را علیه ایران به کار می‌بست. (معبادی، ۱۳۸۱: ۹۳) قطعنامه مذکور روز ۱۲ ژانویه ۱۹۸۰ در شورای امنیت به بحث گذاشته شد و پس از کسب ۱۰ رای موافق، ۲ رای مخالف و ۲ رای ممتنع از سوی نماینده شوروی و توگردید. (کیهان: ۵۸/۱۰/۹) دولت آمریکا در اتخاذ تصمیم برای قطع مناسبات سیاسی و بازرگانی با ایران، تنها ماند. اگرچه شوروی این قطعنامه را و تو کرد ولی دولت آمریکا خودسرانه مجازات‌های اقتصادی بر ضد ایران را اعمال کرد. سران کاخ سفید از متحدان خود نیز خواستند تا در اعمال این مجازات‌ها با ایالات متحده همکاری کنند، اما اکثر این کشورها پاسخ دادند که بدون تصویب قطعی قطعنامه مربوط به مجازات‌های اقتصادی در شورای امنیت، نمی‌توانند در این کار به آمریکا ملحق شوند. (ونس و برژینسکی، ۱۳۶۲: ۸۴)

در سومین گام، با فرا رسیدن سال ۱۳۵۹ و قطع امید کارتر از سودمندی اقدامات دیپلماتیک، مقامات آمریکایی در ۲۲ مارس مصادف با دوم فروردین بنابر دستور رئیس جمهور این کشور، مجازات‌های شدیدتری را بر ضد ایران به اجرا گذاشتند که عبارت بود از: اقدامات اجرایی برای مجازات‌های اقتصادی و تحریم بازرگانی ایران، دعای مالی علیه ایران، اخراج باقیمانده دیپلمات‌های ایرانی از آمریکا و قطع روابط سیاسی با ایران. در این مقطع هم آمریکا موفق به جلب حمایت متحدان اروپایی خود به غیر از کانادا نمی‌شود و رهبران این کشورها، آمریکا را به ادامه فعالیت‌های دیپلماتیک تشویق می‌کنند. (همان: ۸۸)

تداوم تسخیر سفارت آمریکا در تهران موجب شد که اروپاییان نیز کم‌کم همسوئی بیشتری با آمریکا پیدا کنند و تهران دیگر نتواند از اهرم اروپا، برای مقابله با تحریم‌های اقتصادی و نظامی ایالات متحده استفاده کند. به همین منظور، کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا که تا آن زمان به بهانه‌های گوناگون از پیروی واشنگتن خودداری کرده و به روابط اقتصادی و سیاسی خود با ایران ادامه داده بودند، در اواخر مرداد ماه ۱۳۵۹، قطعنامه‌ای را علیه ایران صادر کردند. متن رسمی این قطعنامه توسط سفرای کشورهای ایتالیا، بلژیک، هلند و ژاپن، به آقای هاشمی رفسنجانی رئیس وقت مجلس شورای اسلامی ارائه شد. (رضوی، ۱۳۷۶: ۴۲۱) در حالیکه مخالفان اشغال سفارت آمریکا، تحریم اقتصادی را عامل از دست رفتن باقیمانده ذخایر ارزی آزاد و رکود و انحطاط رشد

اقتصادی ملی ارزیابی می کردند، حامیان اشغال سفارت آمریکا نگاه دیگری به مسئله داشتند، و بر اساس تحلیل های زیر تحریم اقتصادی را مفید دانسته و از آن حمایت می کردند:

۱- تحریم اقتصادی آمریکا و مسدود شدن دارایی ها نه تنها در روند انقلاب اسلامی تاثیری نداشت بلکه حرکت آن را، به سوی خودکفایی که از شعارهای اصولی و محوری مردم ما بود، شتاب بیشتری بخشید. به طوری که ایران را وادار به تجربه استفاده از ظرفیت ها و قابلیت های ملی خود کرد. این مسئله از سوی بسیاری از دولتمردان کشورمان مورد تاکید قرار گرفت، چنانچه شهید رجایی در گزارش خود به مجلس شورای اسلامی در مورد گروگان ها چنین می گوید: «اشغال جاسوسخانه، سبب محاصره اقتصادی و انزوای ما گردید که به نظر ما یکی از مریخس ترین نتایج این حرکت انقلابی بوده است. به اعتقاد ما، دولت جمهوری اسلامی باید از فردای پیروزی انقلاب خود، داوطلبانه و روابط اقتصادی را با آمریکا قطع می کرد، و به قول امام، به استقبال این انزوای سازنده می رفت و عدو سبب این خیر شد.» (رجایی، ۱۳۶۴: ۲۴۹)

۲- تصور ایالات متحده آمریکا بر این بود که تحریم های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران، با توجه به سیستم اقتصادی ناسالم و روند مصرف گرایی ایران که باقی مانده از دوران پهلوی است می تواند کارساز باشد و اعمال آن توسط کشورهای غربی می تواند اقتصاد نوپای جمهوری اسلامی ایران را از پای درآورد. این تصور با توجه به وابستگی شدید اقتصاد ایران به آمریکا در زمان پهلوی دور از انتظار نبود به طوری که در آخرین سال حیات رژیم پهلوی، میزان مبادلات ایران و آمریکا بالغ بر ۶۶ میلیارد دلار بود که ۷/۳ میلیارد دلار آن را واردات ایران از آمریکا و ۹/۲ میلیارد دلار آن را صادرات ایران به آمریکا تشکیل می داد که عمدتاً شامل مواد نفتی می شد. (منصوری، ۱۳۳۷: ۱۸۵) علیرغم آثار منفی که این اعمال تحریم در ابتدای کار خود بر اقتصاد ایران گذاشت اولاً: همان طور که گذشت این طرح، با همراهی همه کشورهای غربی و اروپایی مواجه نشد و ایران همکاری محدود خود را با کشورهای اروپایی و ژاپن ادامه داد. ثانیاً: بعدها مشخص شد که نه تنها تحریم های فوق در قبال جمهوری اسلامی ایران کارآمد نبود، بلکه شرکت های آمریکایی را نیز از منافع سرشار اقتصادی در ایران محروم ساخته بود به نحوی که بلافاصله پس از لغو تحریم ها در سوم اسفند ۱۳۵۹، شرکت های آمریکایی به طرح پیشنهاد های گوناگون در زمینه صدور مواد غذایی و دیگر مایحتاج پرداختند. (عبدوس، ۱۳۸۹: ۲۴۸)

۳- مسدود کردن دارایی های دولت جمهوری اسلامی ایران، این واقعیت را برای بسیاری از

کشورهای جهان آشکار کرد که آمریکا محیط امنی برای دارایی‌های آنان نیست. (سلام: ۷۵/۱۱/۲) علاوه بر این، بنابر اعلام نظر بسیاری از کارشناسان، تحریم‌های آمریکا بر خرید و فروش نفت ایران و درآمدهای ارزی، هیچ گونه تأثیری نداشته و مبادلات دلاری درخصوص خرید و فروش نفت از طریق بانکهای ثالث بدون هیچ مشکلی انجام می‌پذیرفت. در حالی که فروش نفت ایران به شرکت‌های آمریکایی نیز جریان داشت تنها آثار منفی این کارها، بلوکه شدن اموال و دارایی‌های ایران در آمریکا بود. (واعظی، ۱۳۷۹: ۱۱۷)

۴-۲- ناکارآمدی و به نتیجه نرسیدن تحریم‌های اقتصادی آمریکا در آن زمان، به شکست هیمنه آمریکا منجر شد. جمهوری اسلامی ایران موفق شد این تصور را که فشارهای اقتصادی آمریکا موجب به زانو در آمدن جمهوری اسلامی خواهد شد، نقش بر آب کند. و موجب گردد که مبارزه‌های ضد استعماری و ضد امریکایی در سایر کشورهای اسلامی، جهان سوم و غیر متعهد جان تازه‌ای بگیرد و انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی سرمشق حرکت آنها قرار گیرد.

#### ۴-۲- انزوای سیاسی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آمریکا یکی از اولین کشورهایی بود که جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت شناخت. (کیهان: ۵۷/۱۱/۲۴) و تلاش کرد تا روابط خود را با ایران حتی در حد محدود نگه دارد. سایروس ونس وزیر امور خارجه آمریکا در این مورد می‌گوید: «منافع ملی ما در این کشور از نظر موقعیت استراتژیک، ایجاب می‌کرد که روابط خود را با رژیم جدید ایران و به صورتی محدود تر از گذشته حفظ کنیم. ما اعتقاد داشتیم که در طول زمان، منافع مشترک آمریکا و ایران در وجود یک ایران قوی و با ثبات و غیر کمونیست، امکانات تازه‌ای برای همکاری ما خواهد گشود، هر چند انتظار نداشتیم که روابط ما با این کشور به صورت گذشته باز گردد.» (ونس و برژینسکی، ۱۳۳۲: ۵۱)

با توجه به آن که اشغال ۴۴۴ روز سفارت آمریکا در تهران موجب خدشه دار شدن هیمنه آمریکا و به خطر افتادن منافع این کشور در منطقه حساس خاورمیانه شده بود، سران کاخ سفید برای انزوای ایران در بعد سیاسی تلاش‌های بسیاری را انجام دادند. در مرحله اول از دو استراتژی برای آزادسازی جاسوسان آمریکایی استفاده نمودند که به گفته وزیر امور خارجه وقت آمریکا به شرح زیر بود: «۱- ما باید تمام کانال‌های ارتباطی را با مقامات رژیم ایران به منظور اطلاع از وضع گروگانها و

تأمین سلامت آنها باز نگاه داریم. فرصت مذاکره برای آزادی آنها و آگاهی از انگیزه‌های واقعی این اقدام ایران را از دست ندهیم. ۲- ما باید از طریق سازمان ملل متحد و سایر ارگانهای بین‌المللی، بر فشار سیاسی و اقتصادی و حقوقی خود بر ایران بیفزاییم. ایران را در جامعه بین‌المللی منزوی سازیم و رهبران این کشور را متقاعد سازیم که در صورت خودداری از آزاد ساختن گروگان‌ها و ادامه تجاوز به حقوق بین‌المللی، چه بهای سنگینی را خواهند پرداخت. (همان: ۷۲) این استراتژی از یکسو با تحریم خرید نفت و قطع ارسال لوازم یدکی و تجهیزات نظامی و مسدود کردن دارایی‌های ایران در بانک‌های آمریکایی، آغاز شد و از سوی دیگر، با اقدامات سیاسی آمریکا برای حل مسئله گروگانها ادامه یافت. از جمله این اقدامات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- طرح مسئله گروگان‌ها در مراجع بین‌المللی: در ۱۳ آذر ۱۳۵۸ شورای امنیت سازمان ملل بعد از ۴ روز گفت و گو تصمیم گرفت تا از دولت ایران بخواهد که بلافاصله کارکنان زندانی سفارت آمریکا در تهران را آزاد کند. و هر ۱۵ عضو شورای امنیت، از جمله شوروی، به آن رای مثبت دادند. (کیهان: ۵۸/۹/۱۴) اندکی پس از این تصمیم شورای امنیت، نماینده آمریکا در سازمان ملل اظهار داشت که مسئله، اختلاف‌های ایران و آمریکا نیست، بلکه مسئله بر سر اختلاف ایران و جامعه بین‌المللی است. (اشغال لانه جاسوسی، ۱۳۷۳: ۱۹۸) در واقع آمریکایی‌ها از این طریق سعی داشتند فریبکارانه اختلاف خود را با کشورمان به یک مسئله بین‌المللی تبدیل کرده و تمام جهان را بر ضد جمهوری اسلامی بسیج نمایند اما عدم همراهی متحدان اروپایی و آمریکا و ژاپن در جریان اعمال تحریم اقتصادی بر ضد ایران، ناکارآمدی این سیاست را نشان داد. ۲- شکایت به دیوان داوری لاهه: تصمیم شورای امنیت خشم انقلابی ملت ایران را افزایش داد و آمریکایی‌ها در مقابل، علیه ایران به دیوان داوری لاهه شکایت کردند. بنابر نوشته ونس وزیر خارجه وقت آمریکا: «مامی دانستیم که ایران احتمالاً به رای دادگاه بین‌المللی هم مانند قطعنامه شورای امنیت اعتنا نخواهد کرد ولی محکومیت ایران و تایید نقض قوانین بین‌المللی از طرف ایران در دادگاه لاهه، دست ما را در اقدامات بعدی برای افزایش فشار بین‌المللی بر ایران و انزوای سیاسی این کشور باز می‌کرد.» (ونس و برژینسکی، ۱۳۶۲: ۷۳) دادگاه لاهه با سرعتی بی‌سابقه به شکایت آمریکا رسیدگی کرد و در روز ۲۴ آذر ۱۳۵۸ به اتفاق آرا، تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در تهران و اسارت کارمندان آن را محکوم نمود. (کیهان: ۵۸/۹/۲۵) این امر موجب شد که آمریکا بتواند با خاطری آسوده تلاش‌های خود را برای انزوای سیاسی ایران پی بگیرد.

۳- اقدام سیاسی دیگری که از سوی آمریکا انجام شد، تشویق دبیر کل وقت سازمان ملل متحد



، برای سفر به ایران بود. کورت والدهایم در تاریخ ۱۱ دی ۱۳۵۸ وارد تهران شد اما از آنجا که امام او را نپذیرفت، باعث شد که در این ماموریت شکست خورده و در روز ۱۳ دی ماه از ایران خارج شود. موضع گیری های او در مقاله‌ای با عنوان "کابوس تهران" و در کتاب خاطراتش "کاخ شیشه ای سیاست" نشان می دهد که والدهایم توجهی به واقعیت‌های انقلاب اسلامی نداشته و تلاشی برای فهم علت اصلی گروگان‌گیری یعنی پاسخ به ۲۵ سال شرارت و مداخله آمریکا در امور داخلی ایران صورت نداده است.

سال ۱۳۵۸ در حالی پایان یافت که فشارهای سیاسی بین‌المللی و تحریم های اقتصادی بر ضد کشورمان به هیچ نتیجه‌ای نرسیده بود. همین امر باعث شد که کارتر تصمیم به قطع روابط سیاسی با ایران گرفته و به همین خاطر روابط دو طرف به دستور رئیس جمهور آمریکا، در ۱۹ فروردین ۱۳۵۹ قطع شد. امام خمینی (ره) با استقبال از این امر آن را گامی در جهت استقلال کشور دانستند. (کیهان: ۵۹/۱۳۰)

اما اقدامات خصمانه سیاسی آمریکا بر ضد ایران در این حد نماند و در ۲۰ فروردین ۱۳۵۹، آمریکا صدور ویزا را برای ایرانیان متقاضی سفر به آن کشور، ممنوع کرد. همچنین کنگره آمریکا نیز در همین زمان، نام ایران را در لیست کشورهای نامطلوب قرار داد و اتهام حمایت ایران از به اصطلاح تروریست نیز پیوسته از آن زمان تا به امروز از سوی تمامی دولت‌های آمریکا مطرح شد. (تهامی، ۱۳۸۰: ۹۵) تلاش برای انزوای ایران از نظر سیاسی از سال ۱۳۵۹ به بعد در گفتار و کلام سردمداران کاخ سفید آشکار شد و آنان "انقلاب اسلامی ایران" را بزرگترین خطر برای خود نامیدند، و بر لزوم مقابله سیاسی، اقتصادی و نظامی با آن تاکید کردند. مسئولان کشورمان نیز در برابر این زیاده طلبی های آمریکا و همدستان غربی اش ساکت نشستند. به دنبال موضع گیری قاطع امام و استقبال ایشان از قطع رابطه با آمریکا، دولت جمهوری اسلامی نیز در پاسخگویی متقابل به این تصمیم، در روز ۱۹ اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۹ روابط سیاسی خود را با آمریکا به طور رسمی قطع نمود. (سلام: ۷۵/۱۰/۲۳)

تلاش دولت آمریکا برای انزوای جمهوری اسلامی ایران آنطور که مدنظر آنها بود به نتیجه نرسید و ناتوانی آمریکا در رویارویی با یک کشور انقلابی مانند جمهوری اسلامی ایران، در کنار ناکارآمدی تحریم های اقتصادی کاخ سفید موجب شد که این استراتژی آنها در عمل به نتایج زیر منجر شود:

۱- دولت آمریکا که به دلیل منافع و زورگویی هایش توانسته بود به یکی از دو قطب، به ویژه در خاورمیانه، هراسی عظیم در دل ملت‌ها بیفکند، پس از تسخیر لانه جاسوسی ضربه سهمگینی دریافت کرد. این اقدام موجب شد که هژمونی آن دولت در صحنه منطقه‌ای و بین‌المللی خدشه دار شود و ناتوانی آنان در رویارویی با چالش پیش آمده، آشکار گردد. مقاومت حماسی ملت ایران در برابر تلاش‌های آمریکایی‌ها برای انزوای ایران، که بعدها نام سیاست "مهار دوگانه" را به خود گرفت، باعث گردید تا این راهبرد نتواند از کارکرد مناسبی برخوردار باشد.

۲- دولت کارتر که قصد داشت ایران را به انزوای سیاسی بکشاند، در نهایت خود با شکست در انتخابات ریاست جمهوری به انزوا کشیده شد و تمامی وجهه و نفوذش را از دست داد. برژینسکی در این باره می‌گوید: کارتر شکست خورد و یکی از سه عامل اصلی این شکست، ایران و ماجرای گروگانها بود. در واقع بحران ایران و ماجرای گروگان‌ها که تا روز انتخابات همچنان در اسارت بودند، باعث نومیدی و سرخوردگی مردم آمریکا و این باور غلط شد که کارتر مردی ضعیف و فاقد قدرت تصمیم‌گیری است. (ونس و برژینسکی، ۱۳۶۲: ۲۰۸)

۳- شکست تلاش‌های آمریکا، برای انزوای سیاسی ایران، پیامد مهم دیگری به همراه داشت و آن عبارت بود از اینکه، جمهوری اسلامی ایران نشان داد که یک قدرت نوپا با تکیه بر مردم خود می‌تواند یک ابر قدرت با پیشرفته‌ترین و مجهزترین سلاح‌ها را برای مدت طولانی درمانده کند. شکست دولت آمریکا موجب تشدید بیداری اسلامی شد که با پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شده بود. و به دنبال بحران گروگانگیری، در اکثر نقاط جهان، دست‌اندازی‌ها و حمله‌های گسترده علیه منافع دولت آمریکا صورت گرفت (شاه علی ۱۳۸۵: ۳۱۴-۳۰۷). بسیاری از کشورهای جهان سوم و غیر متعهد نیز که پایداری ملت انقلابی ایران را در برابر آمریکا تحسین می‌کردند از این حرکت دانشجویان پیرو خط امام حمایت کردند.

#### ۳-۴- حمله نظامی آمریکا به ایران در طبرس

از نخستین روزهای تسخیر لانه جاسوسی، رهبران کاخ سفید در اندیشه حمله نظامی علیه ایران به منظور آزادسازی گروگان‌های خود بودند. زیگنیو برژینسکی مشاور امنیت ملی کارتر در خاطرات خود در کتاب توطئه در ایران می‌گوید: "من پیشنهاد کردم که ضمن تعقیب اقدامات دیپلماتیک، طرح‌های احتیاطی برای دست‌زدن به اقدامات نظامی در صورت صدمه زدن به گروگان‌ها یا وخامت اوضاع در ایران نیز پیش‌بینی شود." (ونس و برژینسکی، ۱۳۶۲: ۱۷۵) او پیشنهاد

بررسی سه طرح نظامی را مطرح می‌کند که عبارتند از: عملیات نجات گروگان‌ها، اقدامات تلافی‌جویانه در صورتی که یک یا چند گروگان آمریکایی کشته شوند و در صورتی که این کشور در خطر سقوط و تجزیه قرار بگیرد، عملیات وسیع نظامی برای حفظ منابع حیاتی نفت در جنوب غربی ایران پیش‌بینی شود. برژینسکی اذعان می‌کند که مقامات وزارت خارجه آمریکا از جمله ونس وزیر خارجه وقت آمریکا و کریستوفر، معاون او با این پیشنهادها موافق نبوده‌اند (همان: ۱۸۱). ونس در مورد تاثیر نظر او بر عقاید کارتر در مراحل اولیه بحران گروگان‌گیری می‌گوید: "کارتر در آغاز بحران گروگان‌گیری، قصد قطع کامل روابط دیپلماتیک را با ایران داشت، ولی من این اقدام را ضروری نمی‌دانستم زیرا قطع روابط دیپلماتیک علاوه بر این که خط ارتباط ما را با ایران در آینده به کلی قطع می‌کرد، این تصور را به وجود می‌آورد که ما قصد دست زدن به عملیات نظامی در ایران را داریم و جان گروگان‌ها بیش از پیش در معرض خطر قرار می‌گرفت. (همان: ۷۳)

کارتر رئیس‌جمهور وقت آمریکا در مورد کارهای نظامی مورد نظرش چنین می‌گوید: "ما خود را برای هر نوع اقدام نظامی لازم آماده می‌کردیم. عکسهای ماهواره‌ای گرفته شد تا موقعیت هواپیماهای نظامی و مناطق استراتژیک ایران دقیقاً مورد بررسی قرار گیرد. من تمایلی به خونریزی نداشتیم، اما اگر کوچکترین آسیبی به گروگان‌ها می‌رسید، این عمل اجتناب‌ناپذیر بود. ایرانیان به من اطلاع داده بودند در صورت هرگونه اقدام نظامی، افراتیون، گروگانها را خواهند کشت لذا تفکر درباره هرگونه عمل نظامی نیز بی‌حاصل بود." (کارتر، ۱۳۶۱: ۳۰)

در همین زمان، به طور محرمانه کمیته کوچکی از سوی برژینسکی تشکیل شد و کار طرح و برنامه ریزی و تعیین هدف‌هایی را که باید در صورت عملیات نظامی مورد حمله قرار گیرد آغاز کرد. در بیستم نوامبر، کارتر با پیشنهاد این کمیته برای حرکت یک ناو هواپیمابر به منطقه و اعزام چند کشتی نفتکش برای تامین سوخت کشتی‌ها و هواپیماهای آمریکایی در صورتی که حمله‌ای وسیع به داخل خاک ایران انجام شود و همچنین استقرار تعدادی هلیکوپتر نظامی در یک پایگاه نظامی، موافقت می‌کند. (ونس و برژینسکی، ۱۳۶۲: ۱۸۲)

اشغال نظامی افغانستان از سوی شوروی موجب شد تا سیاست اقدام نظامی آمریکا به تأخیر بیفتد. برژینسکی در مورد تاثیر این واقعه بر روش برخورد آمریکا با ایران می‌گوید: «تجاوز شوروی به افغانستان، ما را وادار می‌ساخت که در اقدامات بعدی خود در ایران مصالح کلی و هدف مهاجرت کردن توسعه طلبی شوروی را در منطقه در نظر داشته باشیم. به عبارت روشن‌تر، تجاوز

شوروی به افغانستان بر اهمیت تجهیز مقاومت کشورهای اسلامی در برابر شوروی افزود. و ما را از دست زدن به اقداماتی که موجب تجزیه و پراکندگی در جهان اسلام می شد بر حذر داشت ... در نتیجه اقدامات ما در سه ماه بعد، بیشتر روی افزایش تدریجی فشار اقتصادی بر ایران و تلاش برای مذاکرات مستقیم و غیر مستقیم به منظور رهایی گروگان ها متمرکز شد. (همان: ۱۸۴)

اما در این مقطع نیز تلاش آمریکا برای مذاکره با ایران، تطمیع مقامات کشورمان و حتی تهدید به زور، به نتیجه نمی رسد و سرانجام با توسل به زور برای آزادسازی گروگان ها تصمیم نهایی گرفته می شود. از آنجا که کارتر احتمال می داد حمله نظامی آمریکا به ایران مشکلاتی را برای او به وجود آورد، در روز نوزدهم فروردین سال ۱۳۵۹، رابطه سیاسی دو کشور را قطع کرد و از تمامی آمریکایی های مقیم ایران و نیز دیپلمات های ایرانی مقیم آمریکا خواست این کشور را ترک کنند. همزمان با تلاش آمریکا برای آغاز اقدام نظامی علیه ایران، تلاش های فراوانی چه در سطح داخلی و چه در سطح خارجی برای مشغول کردن تمام انرژی نیروهای انقلابی و انحراف ذهن آنان از مسئله اصلی صورت می گیرد و در سطح داخلی، علاوه بر غوغاسالاری گروهک های داخلی، جریان های تجزیه طلب نیز بر فعالیت های خود در استان های کردستان و خوزستان افزودند و نیروی دریایی عراق نیز حرکات بی سابقه ای را در خلیج فارس آغاز می کند. (واعظی، ۱۳۷۸: ۱۰۱) و در سطح خارجی انتشار شایعاتی درباره احتمال نرم کردن رهبران جمهوری اسلامی، پخش اخبار مذاکرات آمریکا و کشورهای بازار مشترک اروپایی برای اعمال مجازات های اقتصادی و سیاسی علیه ایران، صدور اعلامیه های پی در پی کاخ سفید مبنی بر دفاع و پشتیبانی از بیداری اسلام در افغانستان و نیز گفته های برژینسکی پیرامون خطر شوروی در ایران و تهدید تمامیت ایران از جمله اقداماتی بود که تصور می شد به حد کافی می تواند ذهن مقامات ایرانی را از توجه به حادثه ای که در راه است، منحرف کند. (ونس و برژینسکی، ۱۳۶۲: ۱۹۶)

نیروهای نظامی دلتا که از سوی دولت آمریکا برای رویارویی با اقدامات به اصطلاح تروریستی تشکیل شده بودند و ریاست آن برعهده سرهنگ چارلی بکویت بود، مامور اجرای این عملیات گردید. ماموریت این عملیات عبارت بود از: "به سفارت آمریکا در تهران حمله ببر، پاسداران را بیرون بریز، گروگان ها را آزاد کن و همه را سالم از تهران بیرون بیاور." (بکویت، ۱۳۶۸: ۳۰۲)

سرانجام طرح عملیات نجات در تاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۸۰ مطابق با ۵ اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۹، به مرحله اجرا درآمد. عملیات نجات آمریکایی ها با ورود طوفان شن به منطقه طیس موجب

برخورد یک هلیکوپتر با قسمت جلوی هواپیمای سی ۱۳۰ گردید و در اثر آتش سوزی حاصل از آن، ۸ نفر از اعضای گروه کشته و عملیات با شکست مواجه شد. (ستوده و کاویانی، ۱۳۷۹: ۲۶)

طرح حمله نظامی آمریکا به ایران که یکی از مهمترین واکنش‌های دولت آمریکا بود، به نفع نیروهای ارزشی و انقلابی به پایان رسید. از جمله دستاوردهای مختلفی که برای کشورمان به دنبال داشت عبارت بود از: ۱- جمهوری اسلامی ایران را در موضع برتر قرار داده و باعث شد تا رهبران کشور در داخل و خارج، از امکان مانور و زمینه تبلیغاتی مناسبی برخوردار شوند. ضمن آنکه اعتماد به نفس آمریکایی‌ها را برای موضع‌گیری یا انجام عملیات‌های مداخله جویانه دیگر به شدت کاهش دهد و به گفته برژینسکی تنها یک راه برای آمریکا باقی ماند و آن هم مذاکره بود. (ونس و برژینسکی، ۱۳۶۲: ۲۰۱) ۲- به رسوایی دوستان داخلی آمریکا از جمله بنی صدر انجامید و برای اولین بار وی مورد انتقاد شدید نیروهای انقلابی قرار گرفت. خیانت و همکاری او با آمریکایی‌ها در این زمینه و مواضع ضد انقلابی بعدی او، راه را برای اخراج بنی صدر از مجموعه قدرت، هر چه بیشتر هموار کرد. (ایران، ۷۹/۸/۸) ۳- شکست رهبران کاخ سفید: کارتر و همکارانش نتوانستند با عملیات نجات، موفقیتی برای خود کسب کنند تا در انتخابات ریاست جمهوری به پیروزی برسند. به قول برژینسکی، اگر این کار با موفقیت انجام می‌شد، آمریکاییک بار دیگر زور بازوی خود را نشان می‌داد چیزی که بیست سال به آن احتیاج داشت. (ونس و برژینسکی، ۱۳۶۲: ۱۹۷) ۴- قدرت گرفتن دوباره طرفداران برخورد اصولی مقابل با آمریکا بود، در حالی که اگر این کار آمریکایی‌ها با موفقیت به پایان می‌رسید، آن دسته از جناح‌های داخلی که به طرفداری از آمریکا مشهور بودند قدرت می‌گرفتند و امکان داشت ادامه مسیر انقلاب و دستیابی به ارزشهای مورد نظر آن دشوار شود.

#### ۴-۴- کودتای نقاب (نجات قیام انقلاب بزرگ)

هرچند شکست آمریکا در صحرای طبس موجب شد تا مقامات این کشور به طور موقت اندیشه عملیات نظامی ضد کشورمان را از سر بیرون کنند اما این حادثه باعث نشد تا آمریکایی‌ها طرح‌های خرابکارانه خود را متوقف کنند، بلکه حمایت مستقیم از ضد انقلابیون و تحریک آنان در دستور کار قرار گرفت. برخی کارشناسان کشورمان معتقدند که پس از شکست آمریکا در حمله نظامی به طبس، دو راهکار برای جبران این مسئله از سوی مقامات کاخ سفید در نظر گرفته شد که عبارت بودند از: الف) انجام یک کودتای نظامی با هدف سرنگونی نظام جمهوری اسلامی با همکاری فرماندهان سابق ارتش رژیم شاهنشاهی، نیروهای ساواک، گروه‌های ضد انقلاب،

متحدین آمریکا در منطقه و از طریق دریافت کمک های مالی نظامی و فنی آمریکا . ب) تحریک یک کشور ثالث به طرح ریزی حمله نظامی و تجاوز گسترده به خاک جمهوری اسلامی ایران .(واعظی، ۱۳۷۸:۱۰۶)

در تایید این نظریه می توان به اظهارات برژینسکی در خصوص انجام یک عملیات تلافی جویانه در صورت شکست حمله طیس (ونس و برژینسکی، ۱۳۶۲:۱۹۵) و اعترافات برخی سران دستگیر شده کودتا اشاره کرد .(کودتای نوژه، ۱۳۳۸:۷۴) پس از شکست عملیات نجات در طیس، انجام کودتا در ذهن سردمداران کاخ سفید طراحی شد و تماس هایی از سوی سفیران آمریکا، انگلیس در فرانسه با شاهپور بختیار برای هدایت کودتای نقاب به عمل آمد. بر همین اساس بختیار آخرین نخست وزیر رژیم پهلوی به سازماندهی اجزای کودتا برای مقابله با نظام جمهوری اسلامی پرداخته و به شناسایی و جذب گروه ها و دسته ها و چهره هایی مبادرت می کند. به این ترتیب، بنی عامری سرهنگ دوم بازنشسته ژاندارمری در مقام رئیس شاخه عمل و شاخه نظامی کودتا از پاریس به تهران بازمی گردد و مشغول جذب افراد اطلاعاتی و نظامی از اداره دوم ارتش و مامورین ساواک منحل می شود .(تهامی، ۱۳۸۰:۱۶۸)

کودتای نوژه که در تاریخ ۱۸ تیر ماه سال ۱۳۵۹ یعنی ۳ روز قبل از وقوع، کشف و خشی گردید، قرار بود با زمینه سازی هایی که شده بود به موفقیت برسد . بنا بر اعترافات عوامل کودتا، تمامی ابرقدرت ها در مورد کودتای نوژه توافق کرده بودند و طرح کودتا تا آن حد دقیق و حساب شده بود که کودتاگران گمان می کردند در صورت اجرا صددرصد موفق خواهند شد.

قرار بر این بود که در مرحله اجرای عملیات حدود ۷۰ تن از شخصیت های برجسته مذهبی و سیاسی ظرف ۱۲ ساعت دستگیر شوند . عملیات کودتا همزمان در تهران و سایر شهرهای بزرگ به اجرا درآمد و اماکنی مانند مدرسه فیضیه،، اقامتگاه امام، کمیته مرکزی، نخست وزیری، میعادگاه های نماز جمعه، صدا و سیما و غیره با هواپیماهای جنگی بمباران شود . ضمناً کودتاگران در این بمباران ها، از بمب های خوشه ای و آتش زا استفاده کنند و از پرسنل مجرب نظامی نیز بهره ببرند .(موسوی، ۱۳۳۰:۱۸۹) همچنین در نظر داشتند تا پس از آغاز عملیات هوایی، به فاصله کوتاهی نیروهای زرهی و پیاده وارد عمل شوند . ناصر رکنی رابط نیروی هوایی با شاخه عمل در این مورد می گویند: «اعضای نیروی زمینی و لشکر گارد می گفتند بعد از اینکه نیروی هوایی وارد کار شد و هدف های انتخاب شده را کوبید، ما حداکثر تا ۴ ساعت، با تانک ها و نفرات وارد عمل می شویم

«همان: ۱۹۵»

کودتاگران همچنین به دنبال آن بودند که با تصرف رادیو و تلویزیون، جنگ روانی شدیدی را با هدف ایجاد ترس و وحشت در دل مردم آغاز کنند: «واحدهایی که باید رادیو و تلویزیون را تصرف می کردند، آماده بودند اعلامیه هایی که باید بعد از تصرف از رادیو تلویزیون پخش میشد، تعیین شده بود. یکی از اعلامیه ها حاکی از این بود که هر که از خانه اش بیرون بیاید، کشته می شود، چه دوست باشد و چه دشمن. هیچ کس حق ندارد بیرون بیاید تا اینکه کودتاگران بر اوضاع مسلط شوند.» (همان)

نکته جالب آنکه عوامل خرابکار و وابستگان به بیگانه، امام خمینی را بزرگترین خطر می دانستند و با آنکه منزل ساده امام، منطقه ی نظامی نبود و از هیچگونه استحکام نظامی بهره مند نبود، اما سه فروند هواپیمای فانتوم را برای بمباران اقامتگاه ایشان آماده کرده بودند که در اظهارات ناصر رکنی آمده است. (جمهوری اسلامی: ۱۳۵۹/۶/۲۵) کودتاچیان همچنین در نظر داشتند که پس از برکناری دولت توسط عناصر کودتا، آنان یک دولت صدرصد نظامی روی کار آورده و زمام امور کشور را به مدت دو سال در دست بگیرند. همچنین قرار بود تا بختیار آخرین نخست وزیر رژیم پهلوی به ایران بیاید و به نخست وزیری برسد ولی فقط قدرت سیاسی را در دست داشته باشد و به هیچ حزب و گروه سیاسی تا دو سال اجازه فعالیت داده نشود. پس از گذشت ۲ سال یک به اصطلاح انتخابات برگزار شود و از مردم خواسته شود تا از بین "جمهوری دموکراتیک" یا "رژیم موروثی سلطنتی" یکی را انتخاب کنند. (موسوی، ۱۳۶۰: ۱۹۲)

به هر حال کودتا سه روز قبل از وقوع، به علت تشویش و نگرانی یکی از عناصر شرکت کننده در آن و اطلاع یافتن خانواده وی از موضوع ماجرا فاش می شود. خانواده این خلبان که به انقلاب و امام وفادار بودند و به خصوص مادر وی، او را ملزم به افشای اطلاعات خود در مورد کودتا می کند و او نیز موفق شد حضرت آیت الله خامنه ای و حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی را مطلع کند. به این ترتیب صبح روز چهارشنبه ۱۸ تیرماه ۱۳۵۹، طرح کودتا توسط این فرد، لوم می رود. چند ساعت پس از افشای کودتا، یکی از درجه داران تیپ نوهده نیز به کمیته مستقر در اداره دوم ستاد مشترک مراجعه می کند و یک پاکت دربردارنده بخشی از طرح عملیاتی کودتا را در اختیار کمیته فوق قرار می دهد و عملیات ضد کودتا از همین جا آغاز می شود. واحد های گوناگون امنیتی، اطلاعاتی و نظامی کشور با تشکیل ستادی به نام ستاد خشی سازی کودتا و تجزیه و تحلیل

اطلاعات به دست آمده، با آمادگی کامل برای خشی سازی این توطئه اقدام نمودند. (کودتای نوژه، ۱۳۳۸: ۱۹۹)

توطئه کودتای نقاب سرکوب شد و شکستی دیگر در کارنامه آمریکا ثبت گردید، اما آمریکایی‌ها که منافع خود را به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی در خطر می‌دیدند و قصد داشتند به هر وسیله‌ای به ایران برای آزادی گروگانها فشار وارد کنند، بخش دوم توطئه خود را اجرا کردند. این بار به طور غیر مستقیم رژیم بعثی عراق را به جنگ ضد ایران تشویق کردند. البته منظور این نیست که واقعه گروگانگیری موجب وقوع جنگ شد و چنانچه این اقدام انقلابی از سوی دانشجویان پیرو خط امام انجام داده نمی‌شد، جنگ واقع نمی‌گردید. قرائن و شواهد نشان می‌دهد که رژیم بعثی به دنبال پیروزی انقلاب، به فکر حمله به ایران و براندازی نظام جمهوری اسلامی بوده است و حادثه گروگانگیری فقط زمان این حمله را جلو انداخت. تسخیر لانه جاسوسی و به بن بست رسیدن راهکارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی مستقیم، آمریکا را به سمت حمایت از رژیم بعث عراق، برای اجرای اهدافش پیش برد. رژیم عراق حتی پیش از آغاز گروگانگیری نیز فعالیتهای نظامی و دخالتهای خود را علیه ایران آغاز کرده بود به عنوان نمونه، می‌توان به کمک ۱۷ میلیون دیناری برای ایجاد آشوب در کردستان (اطلاعات ۵۸/۱۱/۱۴) و یا اعدام ۶ عراقی در کردستان (اطلاعات: ۵۸/۶۲۱) اشاره کرد. آقای هاشمی رفسنجانی در مصاحبه‌ای، اقدامات خصمانه ی عراق را در سال ۱۳۵۸ چنین توضیح می‌دهد: "در ۵۸/۱/۲۷ در خرمشهر درگیری شدیدی پیش آمد و عراق هم فوراً اعلام کرد که از اعراب خرمشهر حمایت می‌کند. در همین ایام اخباری دال بر حضور سپهد پا لیزبان در عراق به گوش می‌رسید. در طول سال ۵۸ وقتی تجاوزات عراق به نقاط مرزی بیشتر شد و هواپیماهای عراقی دو روستا را در سردشت بمباران و شش نفر را شهید کردند، در ۳۱ خرداد ۱۳۵۸، یک اعتراض شدید انجام شد. آقای بازرگان در تیر ماه ۵۸، پیام تبریکی برای انتصاب صدام به ریاست جمهوری فرستاد. ولی در همان تیرماه، عراق به برخی نواحی در کردستان و آذربایجان غربی حمله کرد." (کیهان: ۸۲/۱۱/۱۴) محسن میردامادی \_ ازدانشجویان پیرو خط امام \_ نیز چنین دیدگاهی دارد: "در سال ۱۹۷۵، اولین قرارداد همکاری اتمی بین فرانسه و عراق امضا شد و اگر طبق زمانبندی پیش می‌رفت، در اوایل دهه ۱۹۸۰ عراق به بمب اتمی دست پیدا می‌کرد. هدف اصلی یا یکی از اهداف اصلی عراق در دستیابی به سلاح اتمی ... اقدام نظامی علیه ایران بود. بعد از انقلاب، عراق کاملاً شرایط را مساعد می‌دید که این حمله را که سالها برای آن برنامه‌ریزی کرده بود انجام دهد. حدود



یک دهه، صدام ارتش عراق را آماده کرده بود و منتظر فرصت بود که ایران در شرایط ضعف باشد، تا حمله کند و مطامع مورد نظر خود را بتواند به دست آورد.... بعد از انقلاب که ارتش، متلاشی شده بود و هنوز یک نیروی نظامی جدیدی شکل گرفته بود. عراق موقعیت خوبی برای این حمله به دست آورد. این را می‌توان گفت که شاید اشغال سفارت تا حدی باعث شده بود که یک حمایت دیپلماتیک قوی هم در سطح بین‌المللی نداشته باشیم، ولی دلیل جنگی نبود. (اطلاعات: ۵۸/۸/۱۲)

رژیم عراق افزون بر این تحرکات، اقدام به شناسایی مراکز و نقاط راهبردی ایران و ایجاد استحکامات نظامی در طول خطوط مرزی کردستان در نیمه شهریور ۱۳۵۹ جمعاً ۶۳۶ مورد تجاوز زمینی و راه به اشغال درآورد. عراق از فروردین ماه ۱۳۵۸ تا شهریور ۱۳۵۹ جمعاً ۶۳۶ مورد تجاوز زمینی و دریایی به مرزهای ایران صورت داد. (منصوری، ۱۳۹۰: ۲۴۷) موارد بالا نشان می‌دهد که انگیزه‌های اصلی حمله عراق را به ایران عوامل دیگری تشکیل می‌دهد و بدون گروگانگیری هم عراق این تهاجم را انجام می‌داد و آمریکا در این میان نقش موثری را به نفع عراق بازی کرد.

هر دو توطئه کودتای نقاب و جنگ تحمیلی، که می‌توان آمریکا را در آنها سهیم دانست، هیچ یک نتوانست کوچکترین خللی به اراده ملت و دولت انقلابی ایران وارد کند و این دو توطئه نیز موجب نشد که ایران گروگان‌ها را. بنا بر میل و اراده سردمداران کاخ سفید آزاد کند.

## ۵- نتیجه‌گیری

با تسخیر سفارت آمریکا در تهران، انقلاب اسلامی در کانون توجهات بین‌المللی قرار گرفت. جمهوری اسلامی ایران، اخبار جنایات شاه و دولت امریکادرایران را سواربرامواج خبری مربوط به گروگانگیری به تمام نقاط جهان فرستاد. واکنش دولت امریکا درقبال اقدام دانشجویان پیرو خط امام، آمیزه‌ای از ناباوری، حیرت، خشم و انتقام جویی بود. کاخ سفید تلاش کرد تا ابتدا با استفاده از اهرم‌های دیپلماتیک، ارسال نماینده، مذاکره با برخی افراد سازشکار، این مشکل را حل کند. اما وقتی با مقاومت رهبران انقلابی مواجه شد، راه تحریم اقتصادی، انزوای سیاسی و سرانجام حمله نظامی را برگزید. دولت آمریکا با قرار دادن خود در موضوع مظلومیت و تاکید بر اسارت طولانی اتباع خود، تلاش کرد تا افکار عمومی جهان و آمریکا را برای اقدام نظامی علیه ایران آماده سازد. دولت آمریکا از این طریق، سعی نمود تا بسیاری از تجاوزها علیه ایران از جمله حمله نظامی به طبرستان، کودتا، حمایت از عراق در جنگ تحمیلی و دیگر مسائل را مشروع جلوه دهد و به انزوای

ایران، جنبه عملی بیشتری بخشد. اما شکست تمامی این توطئه‌ها موجب شد تا سران آمریکایی باز به همان نقطه اول بازگردند و با ارسال نامه برای نمایندگان مجلس شورای اسلامی به تاریخ ۹ مرداد ماه ۱۳۵۹ که به امضای ۱۸۵ نفر از نمایندگان کنگره آمریکا رسیده بود از آنان بخواهند تا در جهت حل مسئله گروگان‌ها بکوشند. (رضوی، ۱۳۷۶: ۴۱۹)

در زمان بررسی نامه نمایندگان آمریکا در مجلس شورای اسلامی به تاریخ ۱۰ شهریور ماه ۱۳۵۹، "ادموند ماسکی" وزیر امور خارجه آمریکا، نیز نامه‌ای به شهید محمدعلی رجایی نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران نوشته و خواستار مذاکره مستقیم با مقامات کشورمان برای حل مسئله گروگان‌ها شد. او در نامه تاکید کرده بود که: "ایالات متحده واقعتاً انقلاب ایران و قانونی بودن جمهوری اسلامی را درک می‌کند..... من به شما اطمینان میدهم، که ما حداکثر احترام را به استقلال و تمامیت ارضی شما و رعایت اصل عدم مداخله نشان خواهیم داد." (ستوده و کاویانی، ۱۳۷۹: ۱۴۷)

البته جریان‌های بعدی نشان داد که این عمل آن‌ها یک برنامه کوتاه مدت بوده و پس از آزادی گروگانها، دولت آمریکا دوباره اقدامات خصمانه و مداخله جویانه خود را بر ضد جمهوری اسلامی ایران آغاز کرد. با پایان یافتن گروگانگیری و در پی امضای بیانیه الجزایر، دولت آمریکا در قالب ماده یک بیانیه، تعهد داد که به طور مستقیم یا غیر مستقیم، سیاسی و یا نظامی در امور داخلی ایران مداخله ننماید. (بلندنظر، ۱۳۶۹: ۵۹۸)

اما پس از امضای بیانیه، هرگز خود را ملزم به رعایت شرط عدم مداخله در امور ایران ندانست. دولت آمریکا با دخالت مستقیم در جنگ تحمیلی، حمله به سکوهای نفتی ایران در اواخر دوران جنگ، درگیری در جنگ دریایی و حتی سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران، این شرط را نقض کرد و نشان داد که اگر منافعش اقتضا کند، به هیچ اصل و پیمان و منشور بین المللی وفادار نخواهد بود.

## کتابنامه

۱. (۱۳۶۵). *اسناد لانه جاسوسی آمریکا*. جلد ۵۵. تهران: مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی.
۲. (۱۳۷۳). "اشغال لانه جاسوسی آمریکا، زمینه‌ها و پیامدها." *حضور*. دوره دوم، شماره ۸، پاییز ۱۳۷۳.
۳. امین زاده، الهام. (۱۳۸۱). "مفهوم دفاع مشروع در قبال تروریسم." *مجموعه مقالات تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام*. تهران: مرکز مطالعات توسعه قضایی دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری.
۴. انصاری، بهزاد؛ ممتاز، جمشید. (۱۳۹۱). "تأثیر رویه بعدی دولت‌ها بر اصل منع تهدید و توسل به زور." *فصلنامه راهبرد*. شماره ۴.
۵. بکویت، چارلی. (۱۳۶۸). *نیروی دلتا، از پلی می تا طیس*. (رضا فاضل زرنندی). تهران: نشر سپهر.
۶. بلدسو، رابرت. (۱۳۷۵). *فرهنگ حقوق بین‌الملل*. (بهمن آقایی). تهران: گنج دانش.
۷. بلند نظر، غلامرضا. (۱۳۶۹). "دیوان داوری دعاوی ایران و ایالات متحده." *فصلنامه سیاست خارجی*. شماره ۴، سال چهارم.
۸. بیل، جیمز. (۱۳۷۱). *شیر و عقاب*. (فیروزه برلیان). تهران: نشر فاخته.
۹. تهامی، سید مجتبی. (۱۳۸۰). *سیاست آمریکا در قبال ایران دوره جنگ تحمیلی*. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۰. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۴۰۲). *ترمینولوژی حقوق*. چاپ سی و هفتم. تهران: گنج دانش.
۱۱. خمینی، روح‌الله. (۱۳۳۸). *صحیفه امام*. جلد ۱۱ و ۱۳. تهران: موسسه تنظیم نشر و آثار امام خمینی (ره).
۱۲. رجایی، محمدعلی. (۱۳۶۴). "گزارش به مجلس شورای اسلامی درباره حل مسئله گروگان‌ها و بیانیه الجزایر." *مجله حقوقی*. شماره ۲، بهار ۱۳۶۴.
۱۳. رشید، غلامعلی. (۱۳۸۹). "گفت و گوی ویژه، ویژه نامه رمز عبور (۲)." *روزنامه ایران*. مورخ ۹/۳/۸۹.
۱۴. رضوی، مسعود. (۱۳۷۶). *هاشمی و انقلاب*. تهران: همشهری.
۱۵. روحانی، حمید. (۱۳۸۱). *بررسی تحلیلی از نهضت امام خمینی (ره)*. تهران: نشر عروج.

۱۶. ستوده، امیررضا؛ کاویانی، حمید. (۱۳۷۹). *بحران ۴۴۴ روزه در تهران*. تهران: موسسه نشر و تحقیقات مرکز.
۱۷. شاه علی، احمدرضا. (۱۳۹۷). *تاریخ تحولات سیاسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۸. شاه علی، احمدرضا. (۱۳۸۵). *انقلاب دوم*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۹. عبدوس، حامد. (۱۳۸۹). *قدرت نرم و انقلاب رنگی*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۲۰. کارتر، جیمی. (۱۳۶۱). ۴۴۴ روز. (احمد باقری). تهران: انتشارات هفته.
۲۱. (۱۳۳۸). *کودتای نوژه، انقلاب اسلامی و توطئه های دهه نخستین*. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی.
۲۲. معبادی، حمید. (۱۳۸۱). *چالش های ایران و آمریکا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۳. (۱۳۷۷). *منشور ملل متحد و اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری*. چاپ مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد.
۲۴. منصوری، جواد. (۱۳۶۷). *شناخت ماهیت استکبار جهانی*. مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۵. منصوری، جواد. (۱۳۹۰). *آشنایی با انقلاب اسلامی*. تهران: نشر معارف.
۲۶. موسوی، سید علی. (۱۳۶۰). *کودتا و ضد کودتا*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۷. نوازی، بهرام. (۱۳۸۳). *الگوهای رفتاری ایلات متحده آمریکا در رویارویی با جمهوری اسلامی ایران (۸۰-۵۷)*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۸. واعظی، حسن. (۱۳۷۹). *ایران و آمریکا: بررسی سیاستهای آمریکا در ایران*. تهران: سروش.
۲۹. ونس، سایروس و برژنسکی، زیگیو. (۱۳۶۲). *توطئه در تهران*. (محمود مشرفی). تهران: انتشارات هفته.
30. Boyle, Francis Anthony. (1985). *World Politics and International law, Durham*. Duke University press.
31. Reisman, Micheal and Armstrong, Andrea. (2006). "the past and future of claim of preemptive Self\_Defense ...." *American journal of International Law*. (No:100 Washington).

۳۲. روزنامه ابرار مورخ ۱۳۷۹/۸/۸.

۳۳. روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳۵۸/۵/۳۰ و ۱۳۵۸/۶/۲۱ و ۱۳۵۸/۸/۵.

۳۴. روزنامه جمهوری اسلامی ایران مورخ ۱۳۵۹/۶/۲۵ و ۱۳۵۸/۸/۵ .

۳۵. روزنامه سلام مورخ ۱۳۷۵/۱۰/۲۳ و ۱۳۷۵/۱۱/۲ .

۳۶. روزنامه کیهان مورخ ۱۳۵۷/۱۱/۲۴ و ۱۳۵۸/۸/۱۲ و ۱۳۵۸/۸/۲۲ و ۱۳۵۸/۸/۲۴ و ۱۳۵۸/۹/۲ و

و ۱۳۵۸/۹/۱۴ و ۱۳۵۸/۹/۲۵

۳۷. ۱۳۵۸/۱۰/۹ و ۱۳۵۹/۱/۳۰ و ۱۳۵۹/۷/۱۲ و ۱۳۵۹/۱۰/۲۳ و ۱۳۸۲/۱۱/۱۴ .